

## تفسیر قراردادها (بخش سوم و پایانی)

### توفیق عرفانی

#### وسائل تفسیر قرارداد

همان طوری که گفته شد در تفسیر قراردادها از وسایل گوناگونی استفاده می شود که به طور خلاصه به ذکر آنها می پردازیم:

#### الف) حسن نیت:

گروهی از قراردادها وجود دارد که باید در آنها واقعیات مهم و اساسی افشا شود و توافقی که در این گروه واقع می شود. به عنوان قراردادهای با حسن نیت شناخته می شود. قصد در افشای توضیح واقعیات مهم و اساسی خواه مورد سؤال و تقاضا واقع شده باشد یا خیر، قرارداد را به اراده و خواست طرف زیان دیده یعنی طرفی که انشاء و توضیحات باید به نفع وی صورت می گرفت قابل ابطال می سازد.<sup>۱</sup>

قراردادهای بیمه از جمله قراردادهایی است که حسن نیت در آن نقش مهمی

---

۱. پیرداده بیرانوند، احسان اله، (ترجمه) قواعد عمومی قراردادها، برگردان بخش حقوق قرارداد، از کتاب law-Made Cimple (حقوق انگلستان) انتشارات آدنا، ص ۱۰۶.

دارد. در قرارداد بیمه اصل حسن نیت به طور دوجانبه و به تساوی برای بیمه گذار و بیمه گر در نظر گرفته شده است و طرفین قرارداد موظفند تمام حقایق را که در محدوده اطلاعات آنها قرارداد، در اختیار بیمه گذار بگذارند. مواد «۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶» مثلاً در بیمه آتش سوزی بیمه گذار باید مشخصات و نوع اجناسی را که بیمه می شود و نوع ساختمان و انواع وسایل اطفای حریق و غیره را در اختیار بیمه گذار بگذارد و چنانچه قسمتی از حقایق را کتمان کرده باشد. قرارداد قابل فسخ است.<sup>۱</sup>

نمونه ای از حسن نیت را در مواد ۲۶۳ و ۶۸۰ قانون مدنی می توان دید. در عقد فضولی اگر متعامل جاهل باشد (یعنی حسن نیت داشته باشد) علی الأطلاق حق دارد. (در منقول و غیرمنقول) که پس از رد مال به مالک و دادن غرامت به بایع فضولی مراجعه کند و ثمن و غرامت را بگیرد اما اگر جاهل نباشد یعنی حسن نیت نداشته باشد. فقط حق دارد که پس از دادن ثمن و غرامت به مالک از بایع فضولی ثمن خود را دریافت نماید و غرامت را نمی تواند مطالبه کند (ماده ۲۶۳ قانون مدنی) یعنی آنچه که بابت هزینه معامله و امثال آن داده است جریمه ای است به حساب شخصی که حسن نیت نداشته است و با علم به فضولی بودن بایع نسبت به تنظیم قرارداد و انجام معامله اقدام کرده است.

ماده ۶۸۰ قانون مدنی نیز مقرر می دارد که تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت انجام داده است نسبت به موکل نافذ است زیرا وکیل مادامی که از عزل خود خبر نداشته است در انجام معاملات دارای حسن نیت بوده

۱. عرفانی، توفیق، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام در ایران*، ناشر سازمان انتشارات کیهان، ص ۵۲ و ۵۱- سال ۱۳۷۱.

است.<sup>۱</sup>

در رأی شماره ۶۲۹۴ - ۱۳۰۹/۹/۸ دیوان عالی کشور به این مورد اشاره شده است: «اقدام وکیل معزول مادامی که عزل به او اعلام نشده است به موکل تعلق خواهد گرفت».<sup>۲</sup>

از ماده ۳۸۷ قانون تجارت می‌توان تأثیر حسن نیت در قراردادها را استنباط کرد و در قاعده احسان در فقه اسلامی نیز آثار حسن نیت ملاحظه می‌شود.

نمونه دیگری از حسن نیت را که مربوط به یک توافق و مصالحه خانوادگی است. می‌توان در حقوق انگلستان دید که در مراجع قضایی انگلستان سابقه دارد. توضیح اینکه در هر نوع مصالحه و توافق خانوادگی که درباره اموال و دارایی و موضوعات مشابه انجام می‌گیرد. هر یک از اعضاء ملزم هستند که مقدار پول دریافتی و جزئیات اموالی را که بدون اطلاع سایر اعضای خانواده تحصیل کرده است افشاء نماید تا حسن نیت وی معلوم شود.

سابقه قضایی فوق‌الاشعار در مورد عدم حسن نیت دعوای خانوادگی گوردن علیه گوردن در سال ۱۸۲۱ است. که در یک مصالحه خانوادگی سودی عاید یک برادر شد که از دادن اطلاعات معتبر خودداری می‌کرد و چنین مقرر شد که علی‌رغم سپری شدن ۱۹ سال از تاریخ توافق قرارداد مزبور باید ابطال شود.<sup>۳</sup>

**حسن نیت در حقوق فرانسه** اگر مالک، مال منقولی را در اختیار امین بگذارد ولی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، ج ۱، ناشر مدرسه عالی قضایی و امور اداری قم، ص ۲۰۵، سال انتشار ۱۳۵۴.

۲. نیک فر، مهدی، *قانون مدنی در آراء دیوان عالی کشور*، ناشر سازمان انتشارات کیهان سال ۷۲، ص ۱۹۵.

۳. صبری، خلیل، *روش دادرسی آراء دیوان کشور از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴*، چاپ ۱۳۲۵، ص ۱۰۶.

امین آن را به یکی از وجوه ناقله به دیگری منتقل سازد مالک مال حق استرداد ندارد و تصرف منتقل الیه موجب تملک او می‌باشد و مالک فقط حق دارد که امین را تعقیب کند و منتقل الیه ضامن منافع ایام بهره‌برداری نیست و فقط باید مال را به مالک آن برگرداند.<sup>۱</sup>

ضمناً در ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز که به وسیله مؤسسه بین‌المللی یک نواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT) تنظیم گردیده است چنین آمده است: «در تجارت بین‌المللی هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن نیت و معامله منصفانه اقدام کند».<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که در معاهده وین ۱۹۶۹ و منشور سازمان ملل متحد نیز از حسن نیت نام برده شده است. بند ۲ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور به عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام خواهند داد و بدین ترتیب حسن نیت از اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود و در قلمرو اجرای معاهدات نیز حسن نیت جزء لازم قاعده وفای برعهد است.

ماده ۲۶ معاهده ۱۹۶۹ که متضمن وفای به عهد است بصراحت از حسن نیت سخن گفته است و در نتیجه، چون معاهده برای آن منعقد می‌شود که به اجرا درآید. الزاماً باید با حسن نیت تفسیر شود و چنانچه مرجعی قضایی یا شبه قضایی بخواهد با سوءنیت متنی را تفسیر کند در واقع این عمل استنکاف از احقاق حق خواهد بود زیرا

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۷۹، ص ۱۶۶۲، همین مؤلف، *دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، ج ۱، ناشر استاد، سال ۱۳۵۷.  
۲. *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ترجمه و تحقیق بهروز اخلاقی، فرهاد امام، ناشر شهر دانش، ص ۲۰، سال ۱۳۷۹.

غرض از حسن نیت در تفسیر معاهده آن است که مراجع مذکور آن را چنان تفسیر کنند که طرفهای معاهده را به اجرای معاهده ترغیب کنند. غرض از تفسیر در معاملات آن است که دستیابی به اراده مشترک طرفین معاهده فراهم آید و اصل وفای به عهد در تفسیر منظور شود. ماده ۳۱ معاهده ۱۹۶۹ در مقام بیان قاعده کلی تفسیر چنین می‌گوید:

«معاهده باید با حسن نیت و براساس معنای عادی و متوالی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آنها داده می‌شود و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر گردد.»  
همان طوری که ملاحظه می‌شود در ماده ۳۱ مرقوم اصل حسن نیت نقش اساسی دارد و اصل مذکور در مقام تفسیر بر سایر اصول مقدم دانسته شده است و بدین ترتیب حسن نیت باید در تمام مراحل تفسیر مانند بررسی متن و سایر اصطلاحات و تحقیق در رفتار طرفین معاهده وجود داشته باشد و بدیهی است که نتیجه‌ای هم که از تفسیر به دست می‌آید باید با حسن نیت ارزیابی شود.<sup>۱</sup>  
در قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران از یک طرف و شرکت آنتوپریز و اکتیوتولیر (اراپ) در موضوع اجرای احکام دادرس چنین بیان شده است:

«۴- اگر اختلاف به هیأت داوری ارجاع شود رأی ممکن است با اکثریت صادر شود. رأی صادر شده نهایی دارای اثر حقوقی خواهد بود و طرفین تعهد می‌کنند مفاد آن را با حسن نیت به مورد اجرا بگذارند...»<sup>۲</sup>

۱. فلسفی، هدایت‌اله، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، ناشر فرهنگ نشرنو، ص ۷۳۸، ۴۴۸، همچنین، *نهادهای روابط بین‌الملل*، نوشته کلودانیر کلیبار، ترجمه و تحقیق هدایت‌اله فلسفی، ج ۱، ص ۴۶۹، ناشر نشر نو، سال ۱۳۷۹.
۲. قائم مقام فراهانی، عبدالمجید، *حقوق بین‌الملل*، ج ۴، آیین دادرسی دیوان داوری، ص ۱۳۷، چاپ فروردین ۱۳۷۰.

## ب: عدل و انصاف

قطع نظر از اینکه بعضی از حقوقدانان ما بین عدل و انصاف تفاوت قائل شده‌اند.<sup>۱</sup> ولی معمولاً این دو کلمه در کنار هم به کار می‌روند و سابقه استعمال دیرینه دارد. عدل در حقوق ایران ریشه قرآنی دارد و در قوانین مختلف نیز مشتقات آن به کار رفته است که تعیین نرخ عادلانه برای پرداخت بهای زمین مورد نیاز دولت و تعدیل اجاره‌بها در قرارداد اجاره نمونه‌ای از آنهاست.

ماده ۳۷۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد که هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود...

ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳/۸/۹ می‌گوید: «قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود.

آنچه در حقوق فرانسه زیر عنوان «بازسازی عقد» آورده‌اند از مظاهر عدل در معاملات است.<sup>۲</sup> مواد ۳۸۶ و ۳۸۸ قانون تجارت دربارهٔ قرارداد حمل و نقل و مسؤلیت متصدیان حمل و نقل و همچنین ماده ۲۷۹ قانون مدنی نیز نمونه‌ای از رعایت انصاف در قراردادهاست.

رویه قضایی نیز حکایت از آن دارد که با اینکه دادگاه خود را ناچار از اطاعت قانون می‌بیند ولی همواره کوشیده است که در اجرای عدالت، موانع را از سر راه خود بردارد. و فن اجرای قانون را با زینت هنر عدالت پروری بی‌آراید و نظریه‌های حقوقی را در خدمت انصاف و عدالت قرار بدهد.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق اسلام*، ص ۱۷۸، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۵۸.

۲. همان، ص ۱۸۸.

اداره دخانیات رشت با پیمانکاری قرارداد می‌بندد که توتونهای آن اداره را به رشت حمل کند. بر اثر بارندگیهای شدید و آمدن سیلابهای خطرناک جاده‌ها خراب و پلها ریزش می‌کند و کامیون حامل توتون در بین راه صومعه‌سرا و رشت واژگون می‌شود و توتونها فاسد و خراب می‌شود. اداره دخانیات از دادن کرایه و ودیعه پیمانکار خودداری و مطالبه غرامت می‌کند. نظریه کارشناس مبنی بر آن است که هیچ‌گونه غفلی از طرف راننده کامیون صورت نگرفته است ولی بیش از ظرفیت بار زده بوده است. تحقیقات انجام یافته مبنی بر این است که کامیون بر اثر شکستن پل واژگون شده و در نتیجه معلول حادثه‌ای است که جلوگیری از آن از قدرت و توانایی پیمانکار خارج بوده است. دادگاه استان گیلان رأی دادگاه بدوی را که به نفع پیمانکار در مورد مطالبه کرایه و ودیعه صادر شده است فسخ و استدلال می‌کند که اقدام راننده کامیون درباره حمل بار بیش از ظرفیت دلیل مسامحه و بی‌مبالاتی است و علی‌هذا حکم بر بطلان دعوای پژوهشخوانده (پیمانکار) را صادر می‌کند. بر اثر فرجامخواهی، پرونده به دیوان کشور ارسال می‌شود شعبه اول دیوان کشور به استناد نظریه کارشناس مبنی بر اینکه هیچ‌گونه غفلی از طرف راننده نشده است و مرتکب تعدی و تفریط نشده است رأی فرجامخواسته (دادگاه استان) را نقض و اعاده می‌کند. این بار پرونده در شعبه دوم دادگاه استان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دادگاه ضمن ردّ دعوای اداره دخانیات در مورد مطالبه خسارت درباره فرجامخواهی پیمانکار نیز با این استدلال که: «هرچند جلوگیری از وقوع حادثه خارج از اختیارات راننده بوده است ولی چون محموله کامیون بیش از ظرفیت مجاز بوده است بی‌مبالاتی و غفلت راننده را ثابت تشخیص می‌دهد. پیمانکار مذکور فرجامخواهی می‌کند و به لحاظ اصراری بودن آراء صادر شده پرونده در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح

می‌شود و هیأت عمومی به موجب دادنامه ۲۸۰۳-۳۹/۱۲/۱۷ مقرر می‌دارد: «دادگاه با اینکه ضمن مقدمه رأی اذعان نموده، مسامحه و تقصیری از ناحیه فرجامخواه نشده است. مع‌هذا به عنوان اینکه زائد از ظرفیت اتومبیل حمل نموده، بی‌مبالاتی و غفلت وی را محرز دانسته و نتیجه حکم بر بطلان دعوی او صادر کرده است. این استدلال دادگاه وجه قانونی ندارد زیرا طبق مقررات قانون مدنی امین در صورتی مسؤول است که مرتکب تفریط و تعدی گردد و حمل نمودن اضافه بر ظرفیت اتومبیل در امر کیفی تأثیر داشته ولی در موارد امور مدنی ممکن است این مطلب محمول بر تعدی یا تفریط نگردد. تعدی و تفریط به بیان قانون مدنی اموری است که پیش‌بینی آن در حیطة قدرت امین بوده باشد، در مورد بحث هم که واژگون شدن اتومبیل در اثر وجود سیلاب بوده، نظر کارشناس هم مؤید بر این است و میزان و تعداد محموله تأثیری در امر نداشته است تا بتوان طبق مقررات قانون مدنی، امین را مسؤول تعدی یا تفریط دانست بنا به مراتب حکم فرجامخواسته مخدوش و...»<sup>۱</sup>

هرچند که در بادی امر به نظر می‌رسد که موضوع رأی درباره تعدی و تفریط است ولی واقعیت امر آن است که رأی صادر شده براساس عدل و انصاف صادر شده است.

راننده کامیونی که بر اثر ریزش پل، اتومبیل وی خسارت فراوان دیده است نه تنها اداره دخانیات از دادن کرایه و ودیعه او خودداری می‌کند. بلکه مطالبه غرامت و تاوان نیز می‌کند و شرط انصاف و عدالت آن بوده است که اختلاف طرفین قرارداد به طور منصفانه حل شود.

۱. آرشیو کیهان، مجموعه رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲ قسمت حقوقی، ج ۲، ص ۴۱۰، چاپ دوم، سال ۱۳۵۳.



نمونه دیگری که از اختلاف طرفین قرارداد را می‌توان در ماده ۲۷۷ قانون مدنی دید. ماده مرقوم مقرر می‌دارد که: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط بدهد». ملاحظه می‌شود که قانون به دادگاه اختیار داده است تا وضع خاص مدیون را در نظر بگیرد و برخلاف قواعد کلی به او مهلت بدهد و در اصدار حکم انصاف را نیز در نظر بگیرد.<sup>۱</sup>

ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی نیز نمونه دیگری است که در تصویب آن رعایت انصاف معمول شده است. در ماده ۵۷۱ قانون تجارت نیز بصراحت از انصاف سخن رفته است این ماده مرقوم می‌دارد: «... در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده به طوری که مقتضی عدل و انصاف بدانند حکم می‌دهد...» ماده ۴۲ کنوانسیون ۱۹۶۵ که تحت نظارت بانک جهانی برای حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خصوصی در جهان سوم تنظیم و در اختیار دولتها قرار داده شده است مقرر می‌دارد که داورها در صورت داشتن اجازه از ناحیه طرفین براساس انصاف رأی صادر کنند.<sup>۲</sup>

در حقوق انگلستان نیز انصاف مجموع قواعد روشن و معینی است که مانند رشته خاصی از حقوق پاره‌ای از روابط اجتماعی را منظم می‌سازد و انصاف باعث شده است که کامن لو با قوانین اخلاقی مخلوط و به وسیله آنها تکمیل شود.<sup>۳</sup> و هرچند که انصاف از قواعد مربوط به موارد خاص تشکیل شده است و برای هر مورد راه‌حلی که

۱. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۱، ص ۳۲۳، ناشر کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ دوم، سال ۱۳۴۸.

۲. ژان پیرا، *حقوق بین‌الملل بازرگانی*، ترجمه اسکینی، ربیعا، ناشر انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۱۱۹، سال ۱۳۷۱.

۳. کاتوزیان، ناصر، *کلیات حقوق*، نظریه عمومی، ص ۵۸۸، ناشر شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۷۹.

حس معنوی عدالتخواهی را ایجاب می‌کند می‌پذیرد ولی قواعدی را نیز در حقوق انگلستان ایجاد کرده و باقی گذاشته است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

«انصاف تحمل نمی‌کند که یک تجاوز به حق بدون علاج بماند». اگر انصافها مساوی باشند آنکه از لحاظ زمان مقدم است مرجح خواهد بود. مثلاً «در رهن تصرف طبقه هر مرتهن را تاریخ رهن او تعیین می‌کند». «انصاف قبول نمی‌کند که یک قانون نوشته وسیله تقلب شود». مثلاً اگر مدیون با حیلۀ طلبکار را از دین خود غافل نگاهداشته باشد. نمی‌تواند از قانون مرور زمان استفاده کند.<sup>۱</sup>

### ج: عرف و عادت مسلم

هرچند در حقوق ایران عرف و عادت احترام خاص خود را دارد و منبع اصلی حقوق نیز به شمار می‌رود. ولی علماء برای اعتبار عرف شرایطی قائل شده‌اند که از جمله آنها مورد پسند عقل بودن و منطبق با ذوق سلیم بودن و تکرار و شیوع آن در بین مردم و برخلاف قانون نبودن آن است.<sup>۲</sup>

در قانون مدنی ایران در مواد متعددی به عرف اشاره شده است و در تعدادی از مواد قانون مذکور نیز به مشتقات عرف از قبیل کلمات «عرفاً» و «عرفیه» و «متعارف» و یا «عرف و عادت تجارت» و «عرف و عادت مسلم» و «عرف بلد» نیز استناد شده

۱. افشار، حسن، *حقوق تطبیقی*، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۱، چاپ سال ۱۳۵۵.

۲. صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات و قراردادها، ناشر مؤسسه عالی حسابداری، چاپ اول، ۱۳۵۱، ص ۱۷۸، محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ پنجم، ص ۲۵۶ - ۲۵۵، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۸، محمصانی، صبحی، *فلسفه قانونگذاری در اسلام*، ترجمه اسماعیل گلستانی، ص ۳۳۰، ناشر امیرکبیر، سال ۱۳۵۸، بهره‌ور، سرهنگ، مجله کانون وکلا شماره ۵۴، سال ۱۳۳۶، *مقاله بحث حقوقی بیمه*، ص ۶۲، سلجوقی، محمود، *نقش عرف در حقوق مدنی ایران*، ص ۶۲، چاپ سال ۱۳۴۴، دل وکیو، *فلسفه حقوق*، ترجمه جواد واحدی، نشر میزان، ص ۹۲ - ۸۱، سال ۱۳۸۰، جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی، *درآمدی بر عرف*، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ص ۱۶۸، چاپ سال ۱۳۷۸، انتشارات طه، تهران.

است. به طوری که در مواد ۱۳، ۲۲۱، ۲۷۹، ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۵۹، ۳۶۹، ۴۱۷، ۶۳۹ و ۶۶۶ از کلمه «عرفاً» استفاده شده است. در مواد ۱۴۱، ۲۰۴، ۳۵۶، ۳۵۸، ۵۴۹، ۵۵۵ و ۹۵۰ و ۱۰۶۵ نیز از کلمه «عرف» و در ماده ۴۲۶ از کلمه «عرف و عادت» استفاده شده است. همچنین در مواد ۵۴، ۶۸، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۸، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۸۲، ۴۲۶، ۴۴۶، ۶۶۷ و ۶۷۶ و ۱۰۳۱ نیز به عبارت «عرف و عادت» اشاره شده است. علاوه بر مواد مذکور در مواد دیگری و از جمله ماده ۱۶۴، ۲۰۲، ۳۳۶، ۵۹۳، ۸۷۲، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۳۷، ۱۱۶۲، ۱۲۶۹ و ۱۳۱۲ از کلمه «عادتاً» و در مادتين ۶۷۶ و ۱۲۷۳ از عبارت عرف و عادت مسلم و در ماده ۳۴۲ از عبارت «عرف و عادت محل» و در ماده ۳۴۴ از ترکیب عرف و عادت تجارت و در مادتين ۳۴۹ و ۳۵۱ از عبارت عرف تجاری محل و در ماده ۳۶۷ از تعبیر «عرف تجاری» استفاده شده است. در ماده ۳۷۲ قانون تجارت از کلمه متعارف و در قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه نیز از عبارت «عرف و عادت مسلم» استفاده شده است. همچنین در مواد ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۳۲، ۳۸۶، ۴۹۰، ۵۰۸، ۵۳۶، ۵۴۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۶۱۲، ۵۴۱، ۹۵۱ و ۱۰۳۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی کلمه متعارف به کار رفته است.<sup>۱</sup>

رای شماره ۱۲۹۹ - ۱۳۲۸/۷/۱۶ شعبه سوم دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «چون مطابق ماده ۱۳۲ قانون مدنی مالک از تصرف در ملک خود که مستلزم تضرر همسایه شود ممنوع است مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. بنابراین اگر حکم دادگاه حاکی از رسیدگی و تشخیص این امر نباشد که (تصرف مالک زاید از قدر متعارف و رفع حاجت بوده است) چنین حکمی نقض

۱. سلجوقی، محمود، نقش عرف در حقوق مدنی ایران، ص ۱۴۲، سال ۱۳۴۷.

خواهد شد.<sup>۱</sup>

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ این سؤال که «آیا امتیاز آب و برق و گاز جزء مبیع محسوب می شود و اگرچه در بیع نامه قید نشده باشد یا جزء مبیع نیست و باید در بیع نامه قید شده باشد». چنین نظر داده است نظر به اینکه امتیاز آب و برق و گاز به پلاک ثبتی تعلق گرفته عرفاً جزء آن محسوب می گردد و با عنایت به ماده ۳۵۶ قانون مدنی پاسخ این سؤال مثبت است. «نظریه ۲۸۹-۷-۷۸/۸/۱۳»<sup>۲</sup>

رای اصراری شماره ۳/۶۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مقرر می دارد:

«طبق ماده ۲۲۰ قانون مدنی متعاملین به کلیه نتایج هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند. فروشنده طبق عرف و عادت و مواد ۲۲-۴۶-۴۷ قانون ثبت ملزم به تنظیم سند رسمی است و عدم قید آن در سند موجب براءت فروشنده نخواهد بود.<sup>۳</sup>

رای اصراری شماره ۱۴۵۱۰-۱۳۱۷/۲/۱۰ هیأت عمومی نیز می گوید: «مطابق ماده ۲۲۴ قانون مدنی الفاظ عقود قراردادها باید حمل بر معانی عرفیه شود و تخلف از آن موجب نقض دادنامه است.<sup>۴</sup>

در حقوق مدنی آلمان برای عرف ارزشی معادل ارزش قوانین تفسیری شناخته اند و در ماده اول قانون مدنی سوئیس نیز مقرر شده است.

در صورت نبودن حکم قانونی قاضی از روی حقوق عادی حکم خواهد کرد و

۱. نیکفر، مهدی، *قانون مدنی در آراء دیوان کشور*، ص ۲۶، چاپ دوم، ناشر سازمان انتشارات کیهان، سال ۱۳۷۱.

۲. حسینی، سیدمحمدرضا، *قانون مدنی در رویه قضایی*، ص ۱۲۷، ناشر مجید، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.

۳. لطفیان، حسین، *قولنامه و ماهیت حقوقی آن*، ناشر روزنامه رسمی، چاپ اول، سال ۱۳۷۰.

۴. *اصول قضایی حقوقی*، قسمت دوم، ص ۸۳، چاپ تابان.

اگر عرف نیز وجود نداشته باشد بر طبق قواعدی که اگر خود او قانونگذار بود وضع می کرد حکم می کند»<sup>۱</sup>.

در ماده ۴ طرح مقدماتی قانون مدنی فرانسه نیز آمده است: «حقوق درونی و خصوصی هر ملتی قسمتی از آن از حقوق کلی و عمومی و قسمتی از قوانین خصوصی او و قسمت دیگر از عرف و عادت و رسوم مردم تشکیل یافته است و این قسمت اخیر مکمل قوانین می باشد»<sup>۲</sup>. با توجه به مراتب فوق در حقوق فرانسه نیز عرف از منابع حقوق مدنی به شمار می رود و همان طوری که می دانیم در انگلستان نیز بیشتر قواعد مربوط به حقوق اساسی متکی بر اساس رسوم و سنتهای گذشته (عرف) متکی است.

ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی بین المللی دادگستری نیز عرف را در کنار عهدنامه و اصول کلی حقوق از منابع حقوق بین الملل شمرده است. (عهدنامه سانفرانسیسکو ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵)<sup>۳</sup>

ولی همواره باید به خاطر داشت که اگر منظور قانونگذار روشن و مشخص باشد و جای تردیدی وجود نداشته باشد دیگر نمی توان از عرف استفاده کرد زیرا به هر صورت عرف با نص قانون نمی تواند برابری کند.

#### د: رویه قضایی

از آنجا که قانون زاییده ذهن بشری است. علی هذا قانونگذار نمی تواند تمام

۱. شایگان، سیدعلی، **حقوق مدنی**، ج ۱، به کوشش محمدرضا بندرچی، انتشارات طه، ص ۳۰، چاپ ۱۳۷۵.

۲. افشار، حسن، **حقوق تطبیقی**، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۱، چاپ سال ۱۳۵۵.

۳. کاتوزیان، ناصر، **کلیات حقوق، نظریه عمومی**، ص ۴۳۲، ناشر شرکت سهامی انتشار سال ۱۳۷۹.

مشکلات و مسائل قضایی را پیش‌بینی و برای آن قانون وضع و تصویب کند. علی‌هذا در مواردی که قانون تکلیف قضیه‌ای را روشن نکرده باشد. قضات دادگاهها از طریق تفسیر قضایی قوانین در رفع مشکل قانونی و یافتن راه‌حلی بر مشکل حادث تلاش می‌کنند.

بدیهی است تفسیر قوانین برعهده مجلس شورای اسلامی است و تفسیر قضایی که در اصل ۷۳ قانون اساسی برای قضات دادگاهها تجویز شده است و به نام تفسیر قضایی معروف است. جنبه موردی دارد مگر آنکه دادگاهها در استنباط از یک قانون دو نظر متفاوت داشته باشند که در این صورت موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح می‌شود و پس از بحث و بررسی اصح آراء تشخیص و به صورت رأی وحدت رویه درمی‌آید و این رأی که برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم‌الاتباع خواهد بود به منزله قانون است و بدیهی است که در چنین مواردی اگر دادگاهها برخلاف مفاد صریح قرارداد یا شروط ضمن آن تصمیم بگیرد یا مفاهیم دیگری به قرارداد بدهد. مواجهه با نقض رأی و عدم تأیید آن در دیوان عالی کشور می‌شود. بدین ترتیب دیوان کشور در زمینه تفسیر قراردادهای غیرصریح و مبهم از تحریف و تبدیل قراردادها جلوگیری می‌کند و در تفسیر قرارداد دادگاهها از طریق کنترل دادگاههای ماهوی نقش بزرگی را ایفا می‌کنند.

دیوان کشور در تفسیر قوانین امری و تکمیلی و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و قواعد عرفی نیز نظارت دارد و اگر دادگاهها در رسیدگی ماهوی، قراردادی از این قوانین و مقررات تفسیر ناصحیحی به عمل آورده باشند و یا درصدد تحریف قرارداد برآیند، آراء صادر شده در دیوان کشور با نقض مواجه خواهد شد.

در قراردادهای الحاقی نظیر قرارداد حمل و نقل یا اجازه اوقاف عام که شروط

قرارداد به وسیله قانون تعیین شده است و دو طرف قرارداد ناچار به قبول و رعایت آن هستند تفسیر شرایط مذکور نیز در حکم قانونی است که آن را مقرر داشته است و به همین لحاظ در تفسیر قراردادهای مذکور شرایط آن، همانند تفسیر قوانین برای دیوان کشور حق نظارت وجود دارد تا از تفسیر و یا اجرای نادرست آن جلوگیری به عمل آید.<sup>۱</sup>

ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب فروردین ماه ۱۳۷۹ که تقریباً عین ماده ۵۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ است، اساس نظارت دیوان عالی کشور را در مورد تفسیر و تکمیل قراردادها معین می کند. به موجب ماده ۳۴۷ مذکور مقرر شده است:

«در مواردی که دعوا ناشی از قرارداد باشد چنانچه به مفاد صریح سند یا قانون یا آیین نامه مربوط به آن قرارداد معنای دیگری غیر از معنای مورد نظر دادگاه صادر کننده رأی داده شود. رأی صادر شده در آن خصوص نقض می شود.» با توجه به مندرجات ماده مرقوم دادگاه نمی تواند به مفاد صریح سند قرارداد و شروط روشن آن معنای خارج از ظاهر عرفی الفاظ و عبارات بدهد. زیرا دیوان کشور نه تنها از تحریف قراردادها جلوگیری می کند بلکه در دخالت نسبت به تفسیر عبارات و الفاظ مبهم نیز تردیدی ندارد و خود را حافظ اعلام اراده طرفین می داند.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مقام تفسیر قراردادی که در مورد اجرای مندرجات قولنامه تنظیمی درباره معامله ملکی بین طرفین قرارداد، اختلاف وجود داشته است. در رأی اصراری شماره ۳۲ - ۷۴/۹/۷ ردیف ۲۹/۷۴ چنین می گوید:

۱. امامی، اسدالله، **حقوق مدنی (پلی کی)**، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران، ص ۲۲ - ۲۰، سال تحصیلی ۱۳۶۹ - ۱۳۶۸. کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها**، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۶۰، سال ۱۳۶۸.

«مندرجات قرارداد مستند دعوا خصوصاً قید این جمله در آن که خریدار قبل از تنظیم سند رسمی حق واگذاری مورد معامله را بر دیگری ندارد و نیز حضور طرفین دعوا در دفتر اسناد رسمی انتقال که صرفاً بر اثر حدوث اختلاف بین آنها بر سر کسر ابعاد اصلاحی ملک طبق پایان کار شهرداری عملی نشده است و سایر قرائن و شواهد موجود در پرونده من حیث المجموع دلالت بر قصد و اراده طرفین در وقوع معامله براساس پایان کار شهرداری و کسر مساحت اصلاحی دارد و تعیین وجه التزام در قولنامه و قرارداد مدرکیه شهود از باب تحکیم معامله و وقوع عقد بیع بوده است.<sup>۱</sup>

در رأی اصراری دیگری به شماره ۲ - ۶۹/۲/۱۱ ردیف ۵۸/۶۸ هیأت عمومی نیز در مورد تفسیر قرارداد دیگری چنین آمده است:

«مندرجات قرارداد مورخ ۵۵/۲/۷ خصوصاً اشاره به انعقاد آن به منظور فروش درصدر قرارداد و متن ماده ۵ مبنی بر اختیار شرکت در انتقال آپارتمان به صورت بیع به دیگری در صورت عدم حضور خواهان برای انجام معامله ظرف مدت یک ماه بعد از اخطار کتبی دلالت بر قول و وعده فروش آپارتمان پس از احداث آن توسط شرکت داشته و به لحاظ عدم وقوع بیع بین طرفین، فروش آن به دیگری طی سند رسمی فروش مال غیر و باطل محسوب می شود».<sup>۲</sup>

رأی اصراری ۱۲۶/۶۷ هیأت عمومی نیز که در مقام تفسیر قرارداد دیگری صادر شده است. مقرر می دارد:

«سند عادی مستند دعوا کاشف از وقوع بیع است و پرداخت قسمتی از ثمن و

۱. صفایی، سیدحسین، دوره *مقدماتی حقوق مدنی*، ج ۲، *تعهدات و قراردادها*، ناشر مؤسسه

عالی حسابداری، چاپ اول ۱۳۵۱، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۲۳.



مؤجل بودن بعضی از آن و شرط وجه التزام به معنی ظهور انتخاب احد الامرین و تمهید مقدمه وقوع بیع در آینده یا عدم وقوع معامله نمی‌باشد».

رای اصراری دیگر هیأت عمومی به شماره ۱ - ۷۴/۱/۲۹ چنین می‌گوید:

«چون تجدیدنظر خوانده چک به شماره... را به عنوان بیعانه و نیز پرداخت حقوق زارعانه مستأجرین ملک مورد معامله طی صورت جلسه مورخ... تحویل گرفته و انتقال سند به فک رهن موقوف شده و چون به دلالت نامه شماره... اداره ثبت قمشه از محل موصوف فک رهن به عمل آمده و همچنین چون تجدیدنظر خوانده پس از تحویل گرفتن ملک و چاههای محفوره هزاران تن چغندر قند فروخته، لذا با عنایت به مراتب مذکور و سایر قرائن و شواهد و دلایل موجود در پرونده دلالت بر تحقق بیع دارد نه قول بیع»

رای دیگری که به شماره ۲۵/۳۵۸ - ۷۲/۷/۱۱ که از شعبه ۲۵ دیوان کشور صادر شده است مقرر می‌دارد: «نظر به اینکه در سند عادی مورد اشاره هیچ‌گونه وجهی بابت ثمن معامله از جانب خواهان به خوانده پرداخت نگردیده و متقابلاً نیز تحویل مبیع در این رابطه با این سند صورت پذیرفته و صورت جلسه معاینه محل بر تصرف خوانده در قسمتی از ساختمان حکایت می‌کند. بنابراین قبض و اقباض نیز به هیچ وجه صورت پذیرفته و با این تقدیر سند مدرکیه مذکور از حد قولنامه به معنی خاص خود به تعهد نسبت به انجام معامله تجاوز ننموده و برای عقد بیع که ایجاد مالکیت در بیع برای خواهان و ثمن برای خوانده نماید دلالت نمی‌نماید کما اینکه خواهان نیز در دادخواست تسلیمی از آن به لفظ قولنامه نام برده است. چون قولنامه بوده و ایجاد الزام، به تنظیم سند رسمی انتقال نمی‌نماید. لذا حکم به رد دعوی خواهان صادر و

اعلام می‌گردد».<sup>۱</sup>

در رأی اصراری هیأت عمومی به شماره ۳/۶۶ چنین آمده است:

«طبق ماده ۲۲۰ قانون مدنی متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند. فروشنده طبق عرف و عادت و مواد ۲۲ و ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت ملزم به تنظیم سند رسمی است و عدم قید آن در سند موجب براءت فروشنده نخواهد بود».<sup>۲</sup>

رأی دیگری به شماره ۹/۱۷۷ - ۷۱/۴/۲۸ از شعبه ۹ دیوان عالی کشور بدین مضمون صادر شده است: «عدم قید به تنظیم سند رسمی در سند عادی موجب نخواهد شد که فروشنده از تنظیم سند رسمی خودداری کند. زیرا اصولاً تنظیم سند رسمی بعد از انتقال صحیح شرعی از تبعات و ملحقات عرفی و فروش ملک است».<sup>۳</sup>

رأی اصراری دیگری به شماره ۶۰/۶۸ چنین است:

«از آنجا که مورد قولنامه به خواهان فروخته شده به دلالت الفاظی که در قرارداد به کار رفته و رسالت الفاظ بر تمام معانی خود معامله طرفین را مشمول ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی می‌داند. نظر به اینکه قید «طرفین متعهدند ظرف ۴ ماه در دفترخانه حاضر شوند» تأکیدی بر انجام قرارداد و تسریع در آن است نه قیدی که با انتفاء آن مقید نیز منتفی گردد. نظر به اینکه تعیین وجه التزام در باب تأکید و تحکیم قرارداد بوده است و در واقع وجه التزام همان خسارت عدم انجام تعهد است رأی بر الزام خواننده به حضور در دفترخانه تنظیم سند داده نشده این رأی اصراری شناخته شده و هیأت عمومی آن را ابرام نموده است».<sup>۴</sup>

۱، ۲ و ۳. همان، ص ۷۳، ۷۲، ۷۱.

۴. همان، ص ۱۰۹.

شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۷۹-۷۳/۳/۳۱ نیز آورده است:

به استناد به اینکه با اقاله قرارداد نسبت به سه نفر از پنج نفر خریداران و عدم پیش‌بینی تجزیه قرارداد و نامشخص گردیدن تعهدات مابقی طرفین قرارداد ارکان اساسی آن به هم خورده و موجبی برای فروشنده قرار دارد به انتقال دو دستگاه آپارتمان که خواهانها به میل و اراده خود از پنج دستگاه انتخاب و قیمت‌گذاری نموده‌اند موجه و وارد نیست زیرا با مشخص بودن ثمن کل مورد معامله در قرارداد مستند دعوا تعیین ثمن سه دانگ مشاع از شش‌دانگ مشاع از شش‌دانگ دو طبقه آپارتمانهای متوفی تجدیدنظر خواهان از طریق جلب نظر کارشناس براساس همان قیمت کل تعیین شده به منظور صدور حکم به الزام تجدیدنظر خوانده به انتقال رسمی سه دانگ مشاع سهمی خود را از آپارتمانهای مذکور خالی از ایراد قانونی بوده،...

در حقوق انگلستان رویه قضایی منبع درجه اول حقوق را تشکیل می‌دهد و قضات دادگاهها در هر دعوایی ابتدا به سابقه و رویه قضایی مراجعه و مراحل قضیه را استخراج می‌کنند و تا زمانی که در رویه قضایی راه‌حلی در مورد دعوی مطروحه وجود داشته باشد به سایر منابع حقوق توسل نمی‌جویند.

در حقوق آمریکا رویه قضایی نقش مهمی دارد و الزام به رعایت سابقه در حقوق آمریکا وسیله‌ای برای محدود ساختن قضات در تصمیم‌گیریهای بعدی است، در ایالات متحده آمریکا رأی هر دادگاه نه تنها همان مرجع را به تصمیم پیشین خود پای‌بند می‌سازد بلکه دادگاههای همعرض و پایین‌تر هم مکلف‌اند که رأی مذکور را

همانند قاعده سابق بپذیرند ولی دادگاه عالی می‌تواند از آن عدول کند.<sup>۱</sup> پیروان مکتب «حقوق آزاد» در آلمان رویه قضایی را از منابع مهم و اصلی خود می‌شمارند و موری استاد فرانسوی نیز از ایزای (isay) نقل می‌کند که به نظر او قاعده حقوقی نتیجه آراء محاکم است و رأی دادگاه را نباید تابع قانون شمرد.

نظر دولتی نیز که نقش رویه قضایی را تنها احراز قواعد حقوقی می‌داند نه ایجادکننده آن، با این مکتب از لحاظ روش تفسیر نزدیک است.<sup>۲</sup>

لازم به توضیح است که قراردادهای بین‌المللی (عهدنامه) در حکم قانون است و دادگاههای داخلی باید مفاد آن را در دعاوی طرح شده اجرا کنند. اجرای این قواعد در دعاوی داخلی مستلزم تعیین معنی یا تفسیر عهدنامه است و این صلاحیت را از هیچ دادگاهی نمی‌توان گرفت ولی از لحاظ اینکه مفاد عهدنامه‌ها از ارکان نظم بین‌المللی است و به روابط سیاسی دولت‌ها ارتباط دارد و تنها قاعده حاکم بر روابط خصوصی اشخاص نیست. طبیعی است که دادگاه داخلی نمی‌تواند در نظم بین‌المللی اختلال کند و یا سیاست خارجی و عمومی کشور را معین کند و دولت را ناچار به اطاعت از آن سازد. بدیهی است که در چنین صورتی دادگاه اختیار تفسیر عهدنامه را نخواهد داشت. ضمناً هر چند در حقوق ایران نیز مستنداً به اصل ۷۳ قانون اساسی تفسیر قوانین به عهده مجلس شورای اسلامی است و از آنجا که صلاحیت تفسیر قانون عادی متضمن صلاحیت تفسیر عهدنامه نیز هست. علی‌هذا این تفسیر برای دادگاهها در حکم قانون است و لازم‌الاتباع خواهد بود.<sup>۳</sup> ولی با توجه به مندرجات

۱. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، جلد ۲، ص ۲۲۲، ناشر شرکت سهامی انتشار سال ۱۳۷۷.

۲. آرشیو کیهان، *مجموعه رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲*، قسمت حقوقی، ج ۲، ص ۴۶۳، چاپ دوم، سال ۱۳۵۳.

۳. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲، منابع حقوق، ص ۲۵۹ - ۲۵۸، ناشر شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۷۷.

اصل ۱۷۳ مذکور که مقرر می‌دارد: «شرح و تفسیر قوانین در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست». دادرس می‌تواند از تفسیر منطقی و موجه از قوانین و درک منظور قانونگذار در تفسیر قراردادها استفاده کند. مثلاً منظور قانونگذار از وجه التزام در قراردادها و یا معامله به قصد فرار از دین چه بوده است مسائلی که اغلب در معاملات و اختلاف در استنباط از مندرجات قراردادها مطرح می‌شود و قاضی دادگاه باید با تفسیر قضایی نسبت به حل و فصل دعوا اقدام کند.

#### ه: اوضاع و احوال زمان تنظیم قرارداد

اوضاع و احوال اصطلاح جدیدی است که به جای «قراین و امارات» به کار می‌رود و آن مجموعه‌ای از قراین است که می‌تواند در مقام کشف مجهولی به کار آید. در قدیم به جای این اصطلاح «شواهد الأحوال» را به کار می‌بردند ولی فعلاً در فقه و قانون عبارت و اصطلاح قراین و امارات رایج است.<sup>۱</sup> کاربرد اوضاع و احوال هنگامی است که قرارداد مجمل است و استفاده از اوضاع و احوال یعنی قراین و امارات، قاضی یا داور را به کشف قصد مشترک طرفین رهنمون می‌شود. ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی نیز می‌گوید: «امارات عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود».

در این ماده درجه و ارزش قضایی اماره به نظر قاضی دادگاه واگذار شده است تا در هر موردی از جمله در مقام تفسیر قراردادها با استفاده از امارات (اوضاع و احوال) حقیقت امر را دریابد و به استناد آن حکم لازم را صادر و رفع تنازع کند. ماده ۱۳۲۴ نیز مقرر می‌دارد که: «اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده است

۱. لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، ص ۱۷۰، ناشر ابن سینا، ۱۳۴۶، همین مؤلف، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ص ۷۵.

عبارت است از اوضاع و احوال در خصوص مورد...» رأی ۲۱۱۴ - ۱۳۱۶/۹/۲۲ دیوان کشور می‌گوید: هر نوشته‌ای که حکایت از اوضاع و احوال و اماراتی می‌کند که به موجب ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی مکمل شهادت شهود و قابل استناد است باید طرف توجه قرار گیرد و نمی‌شود آن را بدون دلیل ملغی از اثر قرار داد.<sup>۱</sup>

در قسمت دوم ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ چنین آمده بود که: «... هرگاه دادگاه با توجه به قراین و دلایل و اوضاع و احوال تشخیص دهد که انتقال به قصد فرار از تأدیه دین یا محکوم به صورت گرفته، حکم به استیفای دین یا محکوم به از عین مال یا معادل بهای آن از اموال انتقال گیرنده حسب مورد خواهد داد...» ماده ۲۱۸ الحاقی قانون مدنی مصوب ۷۰/۸/۱۴ نیز مقرر می‌دارد که هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده و دلایل ارائه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را داشته دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید...» هرچند که قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۰ با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ نسخ شده است. ولی نظر به اینکه در ماده ۸ قانون اصلاحی پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ مقرر گردیده است. که دادگاه می‌تواند هرگونه تحقیق و یا اقدامی را برای کشف واقع به عمل آورد. علی‌هذا دادگاه در مورد معامله به قصد فرار از دین نیز، به فرض عدم امکان دلیل از طرف خواهان (طلبکار) می‌تواند با بررسی اوضاع و احوال و قراین و امارات نسبت به کشف حقیقت اقدام کند. بنابراین اگر مدیون املاک متعددی داشته باشد و با این حال که یکی از املاک خود را فروخته است. سایر

۱. صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات و قراردادها، ناشر مؤسسه عالی حسابداری، چاپ اول ۱۳۵۱، ص ۳۴۰.

املاک باقی مانده «تکافوی» پرداخت بدهیهای او را می دهد. در این صورت قراین و اوضاع و احوال نمی تواند دلیل معامله به قصد فرار از دین بوده باشد.

رای شماره ۹۸۵ - ۱۷/۳/۴ شعبه ۳ دیوان کشور مقرر می دارد: «فرار از دین که در ماده ۲۱۸ ذکر گردیده وقتی محقق می شود که به سبب معامله مدیون از طرق دیگر قادر به ادای دین نباشد و دارایی او منحصر به مورد معامله تشخیص گردد».<sup>۱</sup>

در مورد دیگری که مدیون اقدام به تجدید معامله نموده بوده است. رای ۲۶۶۱ - ۱۳۱۷/۱/۱۵ دیوان کشور چنین می گوید: «تجدید معامله با حق استرداد نسبت به مدیونی که دارایی اش منحصر به ملک مورد معامله است. فرار از دین محسوب نیست تا به موجب ماده ۲۱۸ قانون مدنی باطل شناخته شود. به شرط آنکه دین مزبور بعد از وقوع معامله اولی حادث شده باشد».<sup>۲</sup>

لازم به توضیح است که اوضاع و احوال و قراین ضابطه ثابتی ندارد و در این گونه موارد قاضی با استفاده از عواملی نظیر مطالعات و مشاهدات و اطلاعات و مسموعات خود و با استفاده از عرف و عادت و آداب اجتماعی و اوضاع و احوال قضیه را در زمان انعقاد قرارداد می سنجد و با استنباط و استنتاج قضایی خود آنچه را که به عنوان اوضاع و احوال و امارات می شناسد. نسبت به حل و فصل دعوا اقدام کند. امری که قانونگذار فرانسوی آن را به روشن بینی و احتیاط قاضی واگذار می کند.<sup>۳</sup>

می دانیم که به موجب ماده ۸۳۸ قانون مدنی موصی می تواند از وصیت خود رجوع

۱. پیرداده بیرانوند، احسان الله، (ترجمه) قواعد عمومی قراردادها، برگردان بخش حقوقی قرارداد، ص ۵۸، از کتاب Law-Made Cimple.

۲. صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات و قراردادها، ناشر مؤسسه عالی حسابداری، چاپ اول ۱۳۵۱، ص ۶۶.

۳. ناصری، فرج اله، امارت در حقوق ایران، ص ۹۹-۹۸، چاپ ۱۳۴۴.

کند. مثلاً اگر کسی به ثلث به نفع حسن وصیت کند و سپس بار به نفع شخص دیگری به نام حسین وصیت کند و هر دو وصیت نیز مستقل باشد و در جلسات متعدد صورت گرفته باشد. تکلیف چیست؟ حال اگر موصی قاضی یا وکیل دادگستری بوده باشد و می‌داند که وصیت به بیش از ثلث نافذ نیست، احتمال آنکه موصی از وصیت اول خود رجوع کرده است قوی است زیرا موصی می‌داند که دو ثلث نمی‌تواند داشته باشد و در اینجا با توجه به اوضاع و احوال و امارات و شخصیت موصی، وصیت‌نامه چنین تفسیر می‌شود که، موصی از وصیت اول خود مبنی بر وصیت به ثلث به نفع حسن رجوع کرده است.<sup>۱</sup>

مثال دیگر: زمینی برای احداث پادگان نظامی فروخته می‌شود. املاک اطراف ملک مورد معامله نیز متعلق به فروشنده است و خریدار به مالکان احتمالی بعدی مجاور حساس می‌باشد و خریدار ضمن معامله شرط می‌کند که اگر مالک در آینده قصد فروش املاک مجاور زمین خریداری شده را داشته باشد. املاک در معرض فروش را هم به خریدار زمین برای احداث پادگان بفروشد. بعد از مدتی مالک زمین، ملک دیگر خود را که در مجاورت پادگان است. به شخص دیگری صلح می‌کند و یا به دیگری می‌بخشد و هبه می‌کند و در مقابل اعتراض خریدار زمین برای پادگان نیز اعلام می‌دارد که در قرارداد معامله قید شده است که چنانچه مالک قصد فروش املاک مجاور را داشته باشد به خریدار زمین برای پادگان بفروشد ولی او (مالک) زمین را نفروخته است بلکه مثلاً به دیگری بخشیده است. کار اختلاف بالا می‌گیرد و منجر به تشکیل پرونده می‌شود. در این مورد نیز دادرسی با توجه به اوضاع و احوال و قراین و حساسیت موقعیت پادگان و حساسیت خریدار ملک برای پادگان نسبت به

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی، وصیت، ناشر گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۰.



همسایگان مجاور به دستیابی به منظور واقعی طرفین می‌پردازد و رأی به نفع خریدار ملک برای پادگان صادر می‌شود. زیرا در صورت فروش زمینهای مجاور زمین در معرض فروش را به خریدار زمین برای پادگان بفروشد، این بوده است که همسایه دیگری مالک زمین مجاور پادگان نشود و در این خصوص فرقی بین فروش یا صلح، یا هبه وجود ندارد.

مثال دیگر: تاجری از اهالی بابل در شهر آستانه اشرفیه قراردادی مبنی بر خرید مثلاً یکصد تن برنج را با بازرگان آستانه اشرفیه منعقد و شرط می‌کند که برنج را با هزینه خود در آمل تحویل خریدار دهد. در قرارداد نوع برنج قید نشده است. حال بر اثر تفاوت قیمت یا هر علت دیگری فروشنده برنج یکصد تن برنج محصول آمل را تحویل خریداری می‌دهد. در این خصوص فروشنده برنج نمی‌تواند به عدم قید نوع برنج در قرارداد تنظیمی استناد کند زیرا اوضاع و احوال و امارات حکایت از آن دارد که منظور مراجعه بازرگان بابلی به آستانه اشرفیه و تنظیم قرارداد معامله برنج محصول آستانه اشرفیه بوده است.

بازرگان دیگری با کمپانی فروشنده اتومبیل بنز در شهر برلن قراردادی مبنی بر خرید یکهزار دستگاه اتومبیل بنز منعقد می‌سازد با توجه به تفاوت قیمت بنز ساخت آلمان و بنز مونتاژ شده در مالزی، فروشنده اقدام به تحویل بنز مونتاژ مالزی می‌کند. اختلاف طرفین منجر به مراجعه به دادگاه می‌شود. قاضی در مقام تفسیر قرارداد مورد اختلاف با توجه به اوضاع و احوال و امارات زمان تنظیم قرارداد، رأی به نفع خریدار صادر می‌نماید. زیرا اگر هدف خریدار، تهیه اتومبیل بنز مونتاژ مالزی بود نیازی به مسافرت به آلمان و شهر برلن و کمپانی بنز در آن کشور نداشت و می‌توانست با شرکت مالزی مستقیماً وارد معامله شود.

در ماده ۵ بیانیه الجزایر راجع به حل و فصل دعاوی ایران و آمریکا به اصطلاح «اوضاع و احوال» اشاره شده است و دیوان دادرسی باید در رسیدگی به دعاوی مطروحه اوضاع و احوال زمان تنظیم قرارداد و متغیر اوضاع و احوالی را که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمده است در نظر بگیرد.

در اصل ۸ کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۸۰ نیز آمده است: «۱- از نظر این کنوانسیون اظهارات و سایر اعمالی را که یک طرف انجام می‌دهد باید مطابق قصد وی تفسیر کرد. هرگاه که طرف دیگر به آن قصد علم داشته یا نمی‌توانست به آن آگاه باشد. ۲- در صورت عدم شمول پاراگراف فوق، اظهارات و سایر اعمالی که یک طرف انجام می‌دهد باید مطابق استنباطی که یک فرد متعارف از همان صنف در اوضاع و احوال مشابه به طرف دیگر می‌داشت تفسیر شود. ۳- در مقام تشخیص قصد یک طرف یا تعیین استنباطی که یک فرد متعارف از آن قصد می‌داشت باید به همه اوضاع و احوال ذی‌ربط از جمله به مذاکرات، هرگونه رویه‌ای که بین طرفین مسلم گردیده است و عرف و عادت و سایر اعمال بعدی آنان توجه کافی مبذول شود»<sup>۱</sup>.

در پایان تحقیق نیز بی‌ثمر نخواهد بود که اشاره‌ای نیز به مقررات اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی که به وسیله مؤسسه بین‌المللی یک نواخت کردن حقوق خصوصی UNIDROIT که در سال ۱۹۲۴ تأسیس و مرکز آن در رم قرار دارد.<sup>۲</sup> داشته باشیم در فصل چهارم این مقررات که درباره تفسیر قراردادهاست. در ماده ۱- ۴ (قصد طرفین) چنین آمده است:

۱- قرارداد باید مطابق قصد مشترک طرفین تفسیر شود.

۱. حقوق بیع بین‌الملل - کنوانسیون ۱۹۸۰ - نوشته ۱۸ نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه‌های معتبر جهان - ترجمه مهراب داراب پور - ص ۱۴۵ - ج ۱ - ناشر گنج دانش - سال ۱۳۷۴.  
۲. نیک‌فر، مهدی، قانون مدنی در آراء دیوان عالی کشور، ناشر سازمان انتشارات کیهان، سال ۷۲، ص ۳۹.

۲- اگر نتوان چنین قصدی را احراز کرد قرارداد باید بر طبق معنایی تفسیر شود که شخص متعارف از همان نوع طرفین در اوضاع واحوال مشابه آن معنا را برای قرارداد در نظر می‌گرفت و در ماده ۲-۴ نیز مقرر شده است:

«اظهارات و سایر رفتارهای یک طرف باید بر طبق قصد آن طرف تفسیر شود مشروط بر اینکه طرف دیگر از آن قصد آگاه بوده باشد یا نمی‌توانسته است از آن ناآگاه باشد.

۳- اگر بند پیشین قابلیت اعمال نداشته باشد. اظهارات و سایر رفتارهای مزبور باید بر طبق معنایی تفسیر شود که یک شخص متعارف از همان سنخ طرف دیگر در اوضاع و احوالی مشابه برای آن در نظر می‌گرفت. و در ماده ۳-۴ چنین آمده است:

«ماده ۳-۴ اوضاع و احوال مرتبط در اعمال مواد ۱-۴ و ۲-۴ باید تمامی اوضاع و احوال را در نظر داشت. از جمله: الف) مذاکرات مقدماتی بین طرفین ب) رویه‌ای که طرفین بین خود برقرار کرده‌اند ج) رفتار طرفین متعاقب انعقاد قرارداد د) ماهیت قرارداد و مقصود از آن ه) معنایی که به صورت معمول در تجارت مورد نظر به عبارت و اصطلاحات داده می‌شود و - عرف تجاری

و شایان ذکر است که قلمرو اصلی اعمال ماده ۲-۴ که تقریباً لفظ به لفظ با بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ کنوانسیون ملل متحد درباره قراردادهای فروش بین‌المللی کالا منطبق است روند تشکیل قرارداد خواهد بود و فهرست مذکور در ماده ۳-۴ نیز فقط مهم‌ترین اوضاع و احوال را شامل می‌شود. و به هیچ وجه قصد آن نبوده است که فهرست مزبور جامع باشد.<sup>۱</sup> اضافه می‌کند که دولت ایران به موجب لایحه قانونی الحاقی دولت ایران به مؤسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی مصوب اسفند ماه

۱۳۴۳ به این مؤسسه ملحق شده است.<sup>۱</sup>

#### بخش نهم: نتیجه تحقیق و بررسی

گفتیم یکی از راههای حل اختلاف ناشی از قراردادها تفسیر قرارداد است این نظریه که در حقوق جهان معاصر از اهمیت بسزایی برخوردار است و در سیستمهای مختلف حقوقی کشورهای جهان پذیرفته شده است. علاوه بر کاربردی آن در حقوق داخلی کشورها، در حل اختلاف ناشی از قراردادهای بازرگانی بین‌المللی نیز نقش قابل توجهی دارد. امروزه اهمیت بازرگانی بین‌المللی بر هیچ کس پوشیده نیست و اغلب کشورها برای دستیابی به کالاهایی که خود ندارند و یا فروش محصولات مازاد بر مصرف خود نیازمند مراوده بازرگانی و تنظیم قراردادهای نظیر قرارداد خرید یا فروش می‌باشند.

با توجه به پیشرفت علم و تکنیک و لزوم تسریع در انجام تعهدات، اغلب قراردادها بدون حضور طرفین قرارداد و با استفاده از وسایل ارتباطی نظیر فاکس و اینترنت منعقد می‌شود. تجارت الکترونیکی نیز فصل جدیدی را در معاملات و تجارت بین‌المللی باز کرده است و از آنجا که تأسیس نوظهوری است و هنوز کاملاً جان‌یافته است. علی‌هذا مشکلات خاص خود را دارد هرچند فرض بر این است که طرفین قرارداد به لحاظ رعایت مسائل اخلاقی و قانونی و عرف و عادت مسلم در امور بازرگانی تلاش دارند که تعهد خود را به نحو احسن انجام بدهند ولی با توجه به عدم امکان مذاکره حضوری طرفین در زمان تنظیم قرارداد و با استفاده از نمونه‌های قراردادهای بازرگانی، گاهی از استنباط و برداشت طرفین قرارداد درباره کلمات و عبارات و یا اصطلاحات به کار رفته در قرارداد، مشکلاتی در جهت اجرای قرارداد پیش می‌آید و اگر اختلاف حاصله از طریق مذاکره و مصالحه پایان نیابد. ناگزیر کار

حل اختلاف به داوری یا مراجعه به دادگاه می‌کشد و داور و دادگاه، نیز با تفسیر قرارداد نسبت به رفع اختلاف و تنازع اقدام می‌کنند و هرچند ممکن است یکی از طرفین قرارداد به الزام آور بودن تعهدات و وفای برعهد نیز نمی‌تواند به طور مجرد و مجزاً از سایر اصول و قواعد حقوقی مورد استناد و استفاده طرفین قرارداد واقع شود. و اصول مذکور از اصل دیگری به نام اصل حسن نیت متابعت می‌کنند.

علی‌هذا نمی‌توانند مانع و رادعی برای نظریه تفسیر قراردادها محسوب شوند. زیرا اگر قرار باشد که اصل وفای به عهد و الزام آور بودن تعهدات بدون قید و شرط و بدون مانعی اجرا شود. در آن صورت موضوع تفسیر قرارداد مفهوم و مصداقی پیدا نخواهد کرد.

از آنجا که علم حقوق سعی دارد که با تهیه و تنظیم قواعد عدالت به کشف حقیقت نایل آید و وجدان آدمی را راضی سازد. علی‌هذا برای نیل به این مقصود از وسایل گوناگونی استفاده می‌کند که از جمله آنها تفسیر قراردادها خواهد بود. وسیله‌ای که دستگاه قضایی برای کشف حقیقت و احقاق حق افراد و حمایت از آنان در مقابل قراردادهای مبهم و مجمل و مقررات پیچیده به آن نیازمند است و به همین جهت است که روز به روز چه در حقوق داخلی و چه در حقوق خارجی و به عنوان یک قاعده حقوقی مسلم و انکارناپذیر جایگاه ویژه‌ای برای خود پیدا کرده است و امید به اینکه موجبات تکامل حقوق قراردادها را بیش از پیش فراهم سازد.<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی، **تأثیر اوضاع و احوال در اعتبار و معاهدات و قراردادهای بین‌المللی** (مقاله)، نوشته محمدعلی حکمت، ص ۷۷، شماره مجله ۳، پاییز ۱۳۶۴.

## فهرست منابع و مآخذ

الف) کتب حقوقی فارسی و عربی:

- ۱- اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، مؤسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی «UNIDROIT» ترجمه و تحقیق بهروز اخلاقی، فرهاد امام، ناشر شهر دانش، سال ۱۳۷۹.
- ۲- شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات (حقوق مدنی)، ج ۲، نشر حقوقدان سال ۱۳۷۹.
- ۳- ناصری، فرج‌اله، امارات در حقوق مدنی ایران، چاپ سال ۱۳۴۴، تهران.
- ۴- صاحبی، مهدی، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، ناشر ققنوس، سال ۱۳۷۶.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اسلام، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۵۸.
- ۶- ترجمه داراب‌پور، مهرباب، حقوق بیع بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، نوشته هجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه‌های معتبر جهان، ج ۱، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۷۴.
- ۷- تألیف ژان پیرا، حقوق بین‌المللی بازرگانی، ترجمه ربیعا اسکینی، ناشر انتشارات آموزش اسلامی، سال ۱۳۷۱.
- ۸- فلسفی، هدایت‌اله، حقوق بین‌المللی معاهدات، ناشر فرهنگ نشر نو، سال ۱۳۷۹.
- ۹- تألیف قائم‌مقام فراهانی، سیدعبدالمجید، حقوق بین‌الملل و آیین دادرسی دیوان دادرسی، ج ۴، چاپ اول فروردین ۱۳۷۰.
- ۱۰- افشار، حسن، حقوقی تطبیقی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۵.

- ۱۱ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، ناشر مدرسه عالی قضایی و امور اداری قم سال ۱۳۵۴.
- ۱۲ - قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، سیدحسن، عبدی پور، ابراهیم، زیرنظر محقق داماد، سیدمصطفی، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، ج ۱، ناشر سمت، سال ۱۳۷۸.
- ۱۳ - کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر انتشارات بهنشر، سال ۱۳۶۸.
- ۱۴ - صفایی، سیدحسین، *حقوق مدنی، دوره مقدماتی، تعهدات و قراردادها*، ج ۲، ناشر مؤسسه عالی حسابداری، چاپ اول تهران، سال ۱۳۵۱.
- ۱۵ - شایگان، سیدعلی، *حقوق مدنی*، به کوشش بندرچی، محمدرضا، ناشر طه، سال ۱۳۷۹.
- ۱۶ - امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۱ و ۲ و ۴، ناشر کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، تهران سال ۱۳۴۸.
- ۱۷ - امامی، اسدالله، *حقوق مدنی (پلی کی)*، دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، سال تحصیلی ۱۳۶۹ - ۱۳۶۸.
- ۱۸ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق مدنی (وصیت)*، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۷۲.
- ۱۹ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دایرةالمعارف حقوقی مدنی و تجارت*، ج ۱، ناشر استاد، چاپ سال ۱۳۵۷.
- ۲۰ - *درآمدی بر عرف*، سیدعلی جبار، گلباغی ماسوله، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، سال ۱۳۷۸.
- ۲۱ - صبری، خلیل، *روش دادرسی*، آراء دیوان کشور از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴، چاپ

۱۳۲۵، ص ۱۱.

۲۲ - شیوه تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی ایران و نظامهای حقوقی معاصر،

حسینی قشقایی، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۳۷۸.

۲۳ - فلسفه حقوق، ناصر کاتوزیان، ج ۲، منابع حقوق، ناشر شرکت سهامی انتشار،

تهران، سال ۱۳۷۷.

۲۴ - فلسفه قانونگذاری در اسلام، صبحی محمصانی، ترجمه اسماعیل گلستانی،

ناشر امیرکبیر، سال ۱۳۵۸.

۲۵ - فلسفه قانونگذاری در اسلام، صبحی محمصانی، ترجمه اسماعیل گلستانی،

ناشر امیرکبیر، سال ۱۳۵۸.

۲۶ - عرفانی، توفیق، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، ناشر سازمان انتشارات

کیهان، سال ۱۳۷۱.

۲۷ - قواعد عمومی قراردادها، نوشته پروفیسور کالی پرفیله، ترجمه پیرداده بیرانوند،

احسان‌اله، ترجمه حقوق قرارداد از کتاب Law Made Cimple، چاپ اول، تهران،

سال ۱۳۷۹.

۲۸ - قولنامه و ماهیت حقوقی آن، لطفیان، حسین، ناشر روزنامه رسمی کشور، چاپ

اول ۱۳۷۰.

۲۹ - کلیات حقوق، نظریه عمومی، کاتوزیان، ناصر، ناشر شرکت سهامی انتشار،

سال ۱۳۷۹.

۳۰ - مبانی استنباط حقوق اسلامی، محمدی، ابوالحسن، چاپ پنجم، انتشارات

دانشگاه تهران ۱۳۶۸.

۳۱ - مصادر الحق فی فقه الاسلامی، احمد عبدالرزاق السنهوری، ج ۶، بدون تاریخ



چاپ، ناشر داراحیاء التراث العربی، لبنان، بیروت.

۳۲- *نقش عرف در حقوق مدنی ایران*، سلجوقی، محمود، چاپ سال ۱۳۴۷، تهران.

۳۳- *نهادهای روابط بین الملل*، نوشته کلود آلبر کلییار، ترجمه و تحقیق فلسفی،

هدایت اله، نشر نو، سال ۱۳۷۹.

۳۴- السنهوری، احمد عبدالرزاق، *الوسیط*، ج ۱، مصادر الالتزام، ناشر داراحیاء

التراث العربی، لبنان، بیروت، بدون تاریخ چاپ.

#### رویه قضایی:

۳۵- بروجردی عبده، محمد، *اصول قضایی*، قسمت حقوقی آراء دیوان تمیز از سال

۱۲۹۲ تا اسفند ۱۳۱۰، چاپ مطبعه ایران، تهران، بدون تاریخ چاپ.

۳۶- آرشیو حقوقی کیهان، *مجموعه رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی*

*کشور*، از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲ چاپ دوم، سال ۱۳۵۳.

۳۷- گردآورنده نیکفر، مهدی، *قانون مدنی در آراء دیوان عالی کشور*، انتشارات

سازمان انتشارات کیهان چاپ دوم، سال ۱۳۷۲.

۳۸- تدوین حسینی، سیدمحمدرضا، *قانون مدنی در رویه قضایی*، زیر نظر یونس

قهرمانی، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.

۳۹- متین، احمد، *مجموعه رویه قضایی*، قسمت حقوقی، نظریات دیوان عالی کشور

از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰، بدون تاریخ چاپ.

۴۰- بروجردی عبده، محمد، *اصول قضایی، حقوقی*، قسمت دوم، مستخرجه از

احکام دیوان عالی کشور از ۱۳۱۰ به بعد، ص ۸۳، چاپ تابان.

#### ب- فرهنگهای حقوقی و لغات:

۴۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمیمولوژی حقوقی*، ناشر ابن سینا، سال

۱۳۴۶.

۴۲ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۷۸.

۴۳ - علی اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا (نعت نامه)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۲۵.

۴۴ - معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ پنجم، ناشر امیرکبیر، ج ۱، سال ۱۳۶۰.

د- مجلات حقوقی

۴۵ - مجله حقوقی، دفتر خدمات بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۳، پاییز ۱۳۶۴.

۴۶ - فصلنامه حق، زیر نظر مرکز مطالعات حقوقی و قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دفتر چهارم، دی ماه سال ۱۳۶۴.

۴۷ - مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۵۴، سال ۱۳۳۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی